

من ساکاگاوا هستم!

نویسنده: برد ملتسر ★ کریستوفر ایوپولوس ★ شبنم حیدری پور
تصویرگر: مترجم:

آدم‌های
معمولی
دنیا را تغییر
مردمانند



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: ملتزر، برد / Meltzer, Brad
عنوان و نام پدیدآور: من ساکاگواوا هستم / نویسنده: برد ملتسر؛ تصویرگر: کریستوفر الیوپولوس؛ مترجم: شبنم حیدری پور
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۴۴ ص؛ مصور (رنگی).
فروست: آدم‌های معمولی دنیا را تغییر می‌دهند
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۴۷-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: I am Sacagawea, 2017
یادداشت: گروه سنی: ب.
موضوع: ساکاگواوا / Sacagawea
موضوع: سرخیوستان آمریکای شمالی - داستان / Indians of North America - Fiction
موضوع: زنان شوشونی - سرگذشتنامه / Shoshoni women - Biography
شناسه‌ی افزوده: الیوپولوس، کریس، ۱۹۶۷ م، تصویرگر / Eliopoulos, Chris
شناسه‌ی افزوده: حیدری پور، شبنم، ۱۳۶۹، مترجم
رده‌بندی دیویی: ۹۷۷۸۰۰۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۵۱۴۹۸۲
۷۲۳۳۷۰۱



انتشارات پرتقال

آدم‌های معمولی دنیا را تغییر می‌دهند: من ساکاگواوا هستم!

نویسنده: برد ملتسر

تصویرگر: کریستوفر الیوپولوس

مترجم: شبنم حیدری پور

ویراستار: آزاده کامیار

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: مهدیه عصارزاده

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی - آزاده توماج‌نیا

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۴۷-۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



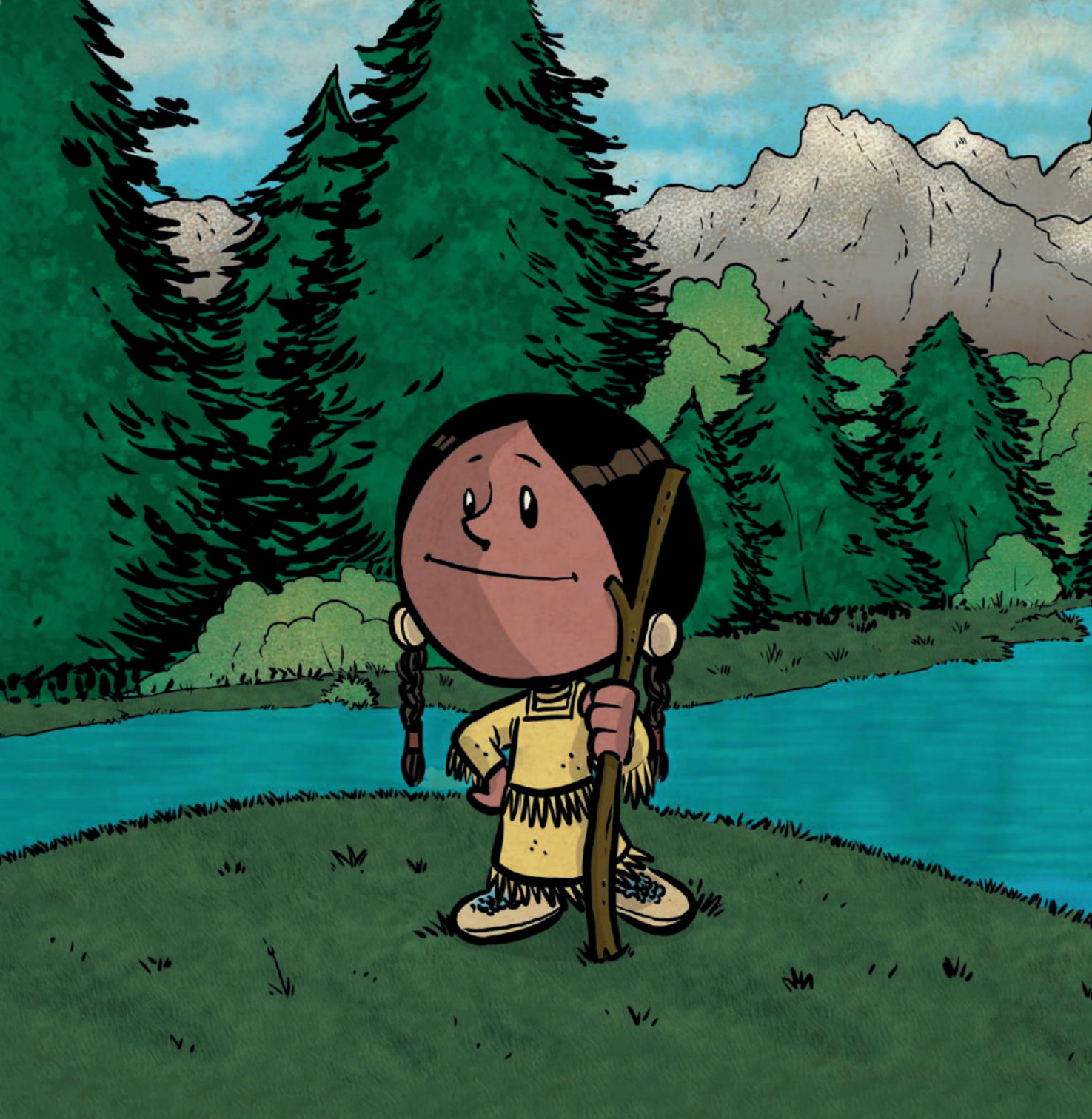
kids@porteghaal.com

برای لوری هُنریک و جودی ریمر، رهبران شجاعمان که کنارمان بودند؛ آن‌ها مسیر را روشن کردند تا این مجموعه به واقعیت تبدیل شود.
ب.م و ک.ا

برای همه‌ی آدم‌های معمولی که دنیا را تغییر می‌دهند.
ش.ح



من ساکاگوا هستم.



دیگران از تو چه انتظاری دارند؟
خانواده‌ها، معلم‌ها یا دوستان. انتظار دارند آدم خوبی باشی؟
توی مدرسه موفق باشی؟ افاقه را تمیز نگه داری؟
مردم از من انتظارات متفاوتی داشتند.
در واقع از من انتظار هیچ کاری را نداشتند.
چرا؟

آن وقت‌ها شرایط در آمریکا فرق می‌کرد. آن زمان کسی به آدمی
مثل من اهمیت نمی‌داد،
به یک دختر.
دختری جوان
و به آمریکایی بومی.



جورج واشنگتن تازه
رئیس جمهور شده بود؛

وقتی به دنیا آمدم،
ایالات متحده‌ی آمریکا
هنوز کشوری جدید بود.

اما مردم قبیله‌ی من، که
بمشان می‌گفتند شوشونی،
هزاران سال بود در این
سرزمین زندگی می‌کردند.



این مرد پدر من
است. او رئیس
روستای ما بود.

این هم برادرم
است.

مادر جایی زندگی
می کردیم که امروزه به
آن آیداهو می گویند.

آن موقع آمریکا آن قدر
جدید بود که جایی به
نام آیداهو اصلاً وجود
نداشت.

برف شروع
شده.

بمتر است
حرکت کنیم.

وقتی زمستان از راه می رسید، زن های روستای ما خانه هایمان را جمع می کردند؛ خانه هایی که از چوب و ییاف بلند ساخته شده بودند و ما مدتی از سال را در آن ها زندگی می کردیم. در بهار و تابستان همه ی آدم های روستا به جایی کوچ می کردند که در آنجا بهتر بتوانند ماهیگیری کنند و در پاییز و زمستان به دنبال غذای متفاوت به جای دیگری می رفتند.

وقتی حدوداً دوازده سالم بود، قبیله‌ای به قبیله‌ی ما یعنی شوشونی حمله کرد. آن‌ها من را گرفتند و به روستای خودشان بردند؛ بعد من را به یک مرد کانادایی-فرانسوی تحویل دادند و من همسر او شدم. آن زمان بود که این اسم را روی من گذاشتند: ساکاگاوا.



پس هیچ‌کس اسم واقعی او را نمی‌داند؟

درست است.

یعنی موقع ازدواج فقط چهارده سال داشته؟